

## قوانین ریچارد رودز در بازارهای مالی

باید اعتراف کنم که من آنقدر باهوش نیستم که این قوانین معاملات را وضع کرده باشم. حدود ۱۵ سال پیش یک بازرگان بزرگ آنها را به من یاد داد، هر چند به شما اطمینان میدهم که هنوز هم قابل اجرا هستند. اگر از قوانین تبعیت کنید و تاجایی که ممکن است به ندرت آنها را زیر پا بگذارید، هر سال میتوانید پول در آورید، یک سال بیشتر یک سال کمتر اما به هر حال پول در آورید. قوانین ساده اند اما تبعیت از آنها مشکل است.

### قوانین کهنه اما بسیار خوب



اگر در این ۱۷ سالی که بازرگان بودم چیزی آموخته باشم این است که روش های ساده تر بهتر به کار می آیند. آنها که همیشه به شاخص های پیچیده اتفاقی، میانگی های متغیر نسبی خطی، تکنیک های هموارسازی، اعداد فیبونی ناچی و غیره وابسته اند، معمولاً در هزار توی این اصول و قواعد پیچیده گم می شوند و نمی توانند تصمیمی منطقی بگیرند. یک تکنیک می گوید ”بخر“ دیگری می گوید ”بفروش“. یکی می گوید ”موقعیت خود را تغییر نده“ یکی دیگر می گوید ”معامله تازه ای انجام بده“ اما به خاطر داشته باشید: راه های ساده تر بهتر کار می کنند.

۱- نخستین و مهمترین قانون این است که در بازارهای صعودی همیشه باید در وضعیت (long خرید) باشیم. این قانون ممکن است واضح به نظر آید، اما چند نفر از ما تا بحال در هر بازار صعودی روی رالی فروخته ایم؟ با این دیدگاه که بازار خیلی زیاد، خیلی سریع پیش رفته است. من قبلاً این کار را کرده ام اما بعید می دانم که در آینده باز هم تکرارش کنم. به همین دلیل نتوانسته ایم با تشخیص دور نمای صعود اولیه سودی به دست آوریم و در مقابل هنگامی که در وضعیت (short فروش) قرار داشتیم، حقیقتاً پول و فرصت را از دست داده ایم. در یک معامله صعودی یا باید در وضعیت long باشیم یا بی طرف. به خاطر داشته باشید: نداشتن position خود یک position است.

۲- آنچه را که نشانه قدرت است بخرید و آنچه را که نشانه ضعف است بفروشید. عامه مردم هنگام سقوط قیمت ها خرید میکنند در حالی که حرفه ای ها هنگامی خرید می کنند که قیمتها افزایش یافته اند. هر چند این ممکن است

ظاهراً منطقی نباشد اما خرید قدرتمند است. قانون نجات این نیست که "ارزان بخر، گران بفروش". بلکه این است که "گران بخر، گران تر بفروش". علاوه بر این با مقایسه ی سهام مختلف در یک گروه، فقط قوی ترین را بخرید و ضعیف ترین را بفروشید.

۳- هنگام شرکت در یک معامله چنان وارد شوید که گویی پتانسیل آن را دارد که تبدیل به بزرگتن معامله ی سال شود. تا یک معامله را به خوبی و به طور کامل بررسی نکرده اید و یک مبارزه را برای افزودن به معامله طرح و تدبیر نکرده اید و نقشه های احتمالی را برای خروج از معامله در نظر نگرفته اید، وارد معامله نشوید.

۴- هنگام اصلاحات کوچک در برابر روند کلان به معاملات بیفزایید. در بازارهای صعودی هنگام اصلاحات کوچکی (که به سطوح Support حمایت) باز میگردد، به معامله بیفزایید. در بازارهای نزولی هنگامی که اصلاحاتی (در محدوده های Resistance مقاومت) رخ میدهد، بر آن بیفزایید. از ۳۸,۲٪ تا ۵۰٪ سطح اصلاحات تغییر قبلی یا از میانگین متحرک (مووینگ اوریج) مناسب به عنوان اولین امتیازی که به آن می افزایید استفاده کنید.

۵- صبور باشید. اگر معامله را از دست دادید، پیش از ورود به معامله صبر کنید تا یک اصلاح اتفاق بیفتد.

۶- صبور باشید. هنگامی که معامله ای در جریان است اجازه دهید که پیش رود و به آن فرصت کافی بدهید تا سودی را که انتظار دارید از آن بدست آورید.

۷- صبور باشید. یک ضرب المثل قدیمی می گوید: تا سود می کنید ورشکست نمی شوید. این ضرب المثل شاید بی ارزش ترین پندی است که تا بحال شنیده ام. ولی به اعتقاد من کسب سودهای جزئی مطمئن ترین راه رسیدن به ضرر نهایی است چرا که سودهای جزئی هرگز به شما اجازه پیشرفت و کسب سودهای هنگفت را نمیدهند. سود واقعی در معامله فقط در یک یا دو یا سه معامله بزرگ سال به دست می آید پس باید این توانایی را در خود پرورش دهیم و در مقابل کسب در معاملات صبور باشد و اجازه دهید تا توسعه یابد و به آنگونه معاملات بزرگ تبدیل شوند.

۸- صبور باشید. هنگامی که معامله ای در جریان است صبر کنید تا کار کند به آن فرصت دهید تا خود را از اختلالات گاه و بی گاه جدا کند. صبر کنید تا دیگران سود شما را از آنچه دریافته اید ببینند.

۹- صبور نباشید. همانطور که قبلاً گفتم ضررهای سریع و کوچک بهترین ضررها هستند. از دست دادن پول مهم نیست بلکه اتلاف سرمایه های ذهنی هنگامی که آنقدر صبر می کنید تا معامله ای را از دست بدهید مهم است.

۱۰- هرگز تحت هیچ شرایطی به یک معامله زیان آور نیفزایید و هرگز در موقعیتی متوسط باقی نمانید. اگر در حال خرید هستید قیمت هر خرید باید از قیمت خرید قبلی بیشتر باشد و اگر در حال فروش هستید قیمت هر فروش باید از قبلی کمتر باشد. این قانونی است که باید بی چون و چرا از آن تبعیت کنید.

۱۱- بر روی آنچه که بیشتر در آن موفق بوده اید بیشتر کار کنید و بر آنچه که کمتر موفق بوده اید کمتر. هر روز موقعیت های مختلفی را که داشته اید بررسی کنید. به معاملاتی که بیشترین سود را داشته اند بیافزایید و از آنها که سود نداشته اند یا سود کمی داشته اند بکاهید. این موضوع پایه و اساس آن ضرب المثل قدیمی است که می گوید: ” بگذار سودت در جریان باشد.“

۱۲- تا زمانی که قواعد تکنیکالی و فاندمنتالی هر دو جایز ندانند معامله (trade) انجام ندهید. این قانون ممکن است چندان به مذاق کارشناسان و فن گرایان مطلق خوش نیاید اما اهمیتی نمی دهم من تا زمانی که مطمئن نشوم که آنالیزهای فاندمنتالی من و قوانین ساده ای که از آنها پیروی می کنند در یک جهت جریان دارند معامله ای انجام نمی دهم. در این صورت می توانم با قدرت و اطمینان فعالیت کنم و موقعیت خود را حفظ نمایم.

۱۳- اگر ضررهای شدیدی تجربه کردید مدتی استراحت کنید تمام معاملات را ببندید و چند روز هیچ معامله ای انجام ندهید. به دنبال ضررهای شدید و غیر منتظره ممکن است ذهنتان شما را فریب دهد. وسوسه انگیزه ”جبران پول از دست رفته“ بسیار شدید و قوی است که نباید تسلیم آن شد.

۱۴- وقتی خوب و موفق معامله می کنید کمی وسعت کار را افزایش دهید. همه ما دورانی باور نکردنی را تجربه کرده ایم که در آن تمام معاملات پر سودند. وقتی در این شرایط قرار می گیرید معاملات خود را گسترش دهید. وقتی خورشید می درخشد باید به اصطلاح پاداش خود را بگیریم.

۱۵- هنگام افزودن به یک معامله فقط یک چهارم تا یک دوم موجودی خود را بیفزایید. برای مثال اگر ۴۰۰ سهم از یک سهام را در اختیار دارید هنگام افزودن بیش از ۱۰۰ یا ۲۰۰ سهم نیفزایید. این کار باعث می شود که قیمت متوسط دارایی شما کمتر از نصف فاصله متغیر تغییر کند و در نتیجه شما می توانید بدون تغییر قیمت متوسط خود ۵۰ درصد اصلاحات را انجام دهید.

۱۶- مثل یک پارتیزان فکر کنید. ما می خواهیم در آن سمت از بازار مبارزه کنیم که برنده است نه این که برای کسب شهرت وقت و سرمایه خود را با خرید نزول ها و فروش اوج های برخی تغییرات بازار هدر دهیم. وظیفه ما این است که با مبارزه در کنار نیروهای برنده سود و درآمد بیشتری کسب کنیم. اگر هیچ یک از طرفین برنده نیست اصلاً مجبور نیستیم مبارزه کنیم.

۱۷- اوج بازار با خشونت و جفتک اندازی شکل می گیرد و نزول آن با آرامش این را هرگز فراموش نکنید.

هیچ نبوغی در این قوانین نیست. اینها فقط آگاهی های عادی هستند نه بیشتر اما به گفته ولتر آگاهی های عادی غیر عادی هستند. معامله گری یک کار معمولی است که به عقل سلیم وابسته است. اگر معاملات خود را مخالف عقل سلیم

انجام دهیم ضرر می کنیم. شاید همیشه اینطور نباشد اما سرانجام به شدت ضرر خواهیم کرد. به سادگی معامله کنید از روش های پیچیده و سیستم های تکنیکی مبهم پرهیز کنید و براساس روندهای اصلی معامله نمایید.

گردآوری و ویرایش: [farachart.com](http://farachart.com) :